

گزارشی از: کارخانه کمیدرو

"در روز سه شنبه ساعت ۳ بعد از ظهر کارکنان کارخانه کمیدرو بنا به درخواست مدیرعامل کارخانه که روز قبل ضمن اطلاعیه ای آنها را به شرکت در مجمع عمومی دعوت کرده بود تا برای راه انداختن مجدد کارخانه "چاره ای" ببینند، در سالن غذاخوری اجتماع می کنند. کارگران چهره و رسوای مدیرعامل "حمیری" را می شناختند و بخوبی از هدف این فراخوان باخبر بودند و میدانستند که تشکیل مجمع عمومی فقط جنبه تشریفاتی دارد. اضافه کنیم که "حمیری" در زمان رژیم شاه مدیرعامل کارخانه چوکا در شمال بوده و هنگام اعتصاب کارگران، بدستوری تانکها به درون کارخانه سرازیر شده بودند. بهرحال طبق معمول پس از انتظار بسیار مدیرعامل وارد میشود. "حمیری" با گفتن بسم الله و صلوات صحبت خود را آغاز میکند و میگوید: "کارگران و کارکنان عزیز ما بار دیگر اینجا جمع شده ایم که برای راه اندازی کارخانه فکری بکنیم. ولی ما مدتی بعد از مذاکرات زیاد به

بقیه در صفحه ۳

رنجبر روی زمین اتحاد
پیکار خلق
یکشنبه ۶ مهر ۵۹
گروه انقلابیون مارکسیست لنینیست

کمونیستها درباره جنگ ایران و عراق چه میگویند؟

هر روز که میگذرد جنگ بین دو دولت ارتجاعی و ضد خلقی ایران و عراق دامنه گسترده تری میگیرد. این جنگ، جنگی است بین سرمایه داران عراق و ایران که زحمتکشان هر دو کشور گوشت دم توپ آن هستند و برای آنان چیزی جز قحطی، گرانی و خانه خرابی ببار نخواهد آورد. لذا خلقهای زحمتکش ایران و عراق خواهان متوقف کردن هر چه سریع تر جنگ هستند.

رژیم فاشیستی بعث عراق آشکارا به خاک میهن ما تجاوز نظامی نموده و با بمباران مناطق مختلف و ورود به مناطق و شهرهای ایران دست بکشتار زحمتکشان مازده است. رژیم فاشیستی و ضد خلقی بعث عراق که در جنگ ۶۷ و ۷۳ اعراب و اسرائیل عملاتش غیرفعال داشت و با هزار پهانه از رویاروی شدن با ارتش غاصب اسرائیل فرار مینمود، اینک قسمت اعظم قوای خود را وارد جنگ در مرزها و در داخل ایران نموده است. در همان حمله به فرودگاه مهرآباد چندین نفر از کارگران زحمتکش شهرک اکباتان و یاکده فرودگاه قربانی شدند. اینک تعداد زیادی از مردم زحمتکش منطقه قصر شیرین و نفت شهر، خرمشهر و سایر نواحی مرزی در نتیجه این تجاوز یاکشته شده و یا مجبور به ترک شهر شده و خانه و زندگی خود را از دست داده اند. رژیم فاشیستی بعث عراق با بوق و کرنا فریاد میزند که گویا "نجات" خلقها

بقیه در صفحه ۲

مشکل زحمتکشان دولت آباد و اخاذی انجمن شهر (قهرمان شهر)

دولت آباد که حومه قهرمان شهر بحساب می آید، در حدود ۷۰۰ متر از خیابان اصلی (سنجایی) فاصله دارد. مردم این محل که شاید ۴ تا ۵ هزار خانوار هستند، با انواع کمبودها از قبیل اسفالت، حمام، بیمارستان، وسیله ایاب و نهاب و غیره مواجه هستند. با وجود این همه جمعیت، فقط سه دستگاه مینی بوس واحد در این مسیر به شهر کار می کند و بعثت خرابی جاده تا کمپ به دولت آباد نمیرود. مردم این محل اکثرا کارگران روز مزد فعله می باشند.

در تاریخ ۵/۶/۵۹ بعد از سه روز بی آبی، کارگران که تازه از کار برگشته بودند در ساعت ۵/۹ شب در کوچه ها جمع شدند تا برای رفع مشکل بی آبی فکری بکنند. همگی میگویند ما باید از انجمن آب بخوایم چون این انجمن چند سال است که از ما پول می گیرد. با این تصمیم با شعار "مرگ بر انجمن" "مرگ بر اکبر حسنی" براه می افتند و به خانه اکبر حسنی میروند. حال بهتر است پای صحبت خود اهالی دولت آباد بنشینیم ببینیم که اکبر حسنی کیست؟ یکی میگوید وقتی اکبر حسنی به دولت آباد آمد، هیچی نداشت خشت مال بود، خون ما را خورد و حالا همه

بقیه در صفحه ۳

حملة اوباشان حماقدار به کتابفروشیها

در روز یکشنبه ۶ شهریور حماقداران جمهوری اسلامی مجدداً جلوی دانشگاه را قرق کردند و جشن کتابسوزان براه انداختند. آنان مغول وار به هر دکه کتابفروشی که می رسیدند، آن را واژگون کرده، کتابها را پاره و یا به آتش می کشیدند. تازه اگر دکه -

بقیه در صفحه ۴

اخبار کوتاه

ص ۲

مرگ بر امپریالیسم و سرمایه داری وابسته

ایران را در این جنگ دنبال میکند، اما در واقع آنچه نصیب خلقهای ما خواهد شد قحطی بی خانمانی، گرانی و در مناطق جنگ زده کشت و کشتار خواهد بود. رژیم فاشیستی بعث عراق که خود دستش تا مرق بخون صد ها کمونیست و انقلابی و زحمتکشان عراق آغشته میباشد، رژیمی که وحشیانه خلق کرد را در عراق سرکوب مینماید، رژیمی که مستقیم و غیر مستقیم در زد و بند با امپریالیستهای میاشد، چگونه میخواهد طرفدار آزادی خلقهای ایران باشد؟ تمام فریاد های دروغین را در یو عراق مبنی بر "آزادی" و "رهائی" خلقهای ایران تزویر و عوامفریبی است. رژیم بعث عراق با تجاوز بخاک کشور ما اهداف توسعه طلبانه و اشغالگرانه ای را دنبال میکند. رژیم بعث عراق همچنین با برآورد انداختن این جنگ میخواهد افکار عمومی عراق را از مشکلات درونی منحرف نموده تا بجزوای عراق به ترویج و خیال راحت تری بتواند به استثمار زحمتکشان ببرد. باز در این یک واقعیت است که زحمتکشان عراق در حال بیداری و بپاخیزی هستند. موج نارضایتی و اعتراض عمومی در بین زحمتکشان عراق در حال شکل گیری است. مبارزات دلیرانه خلقهای ایران علیه امپریالیسم و رژیم فاشیستی شاه دارای تأثیرات مستقیمی بر رشد جنبش در عراق بود و همبستگی مبارزاتی بین خلقهای ایران و عراق را تقویت نموده است. رژیم ضد خلقی صدام حسین میخواهد با برآوردن جنگ از یکسواز تأثیرات مبارزات خلقهای ایران بر روی مردم عراق بکاهد و از سوی دیگران مردم عراق را از مبارزه واقعی علیه ارتجاع حاکم منحرف نماید. بنابراین جنگ از جانب رژیم ضد خلقی عراق جنگی است تجاوزکارانه و در جهت سرکوب خلقهای ایران و عراق و در خدمت تشدید استثمار و غارتگری در جهت استثمار داران عراقی و امپریالیستهای اما جنگ از جانب رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی نیز ناغاد لانه میباشد. رژیم ایران نیز با دنبال کردن سیاست تحریک تحت عنوان "صدور انقلاب" عملاً به جنگ دامن میزند. رژیم جمهوری اسلامی با تبلیغات عوامفریبانه پیرامون "جنگ اسلام علیه کفر" و عوامفریبی پیرامون "دفاع از ملیت و میهن" زحمتکشان را به گوشه دم توپ بدل نموده است. رژیم جمهوری اسلامی طی شیای کوتاه خود بکرات

ثابت نموده که نه تنها در خدمت زحمتکشان و برای بهبود وضع زندگی آنها عمل نمیکند، بلکه آشکارا از منافع سرمایه داران در جهت تشدید استثمار و بهره کشی از زحمتکشان دفاع می نمایند. امروزه بارگرانی، بی مسکنی، پائین آمدن قدرت خرید برد و دشمن زحمتکشان میهن ماسنگینی میکند. رژیم جمهوری اسلامی بکرات نشان داده است که نه تنها خواهان کوتاه شدن دست غارتگران امپریالیستی و رهائی کامل اقتصادی و سیاسی کشور ما از یوغ بیگانه نیست، بلکه تمام سیاستهای این رژیم در جهت حفظ و تحکیم سرمایه داری وابسته بامریا- لیسم در ایران میباشد. بنابراین دفاع از ملیت و وطن از نظر سران جمهوری اسلامی ایران مفهومی بجز دفاع از سرمایه داران و امپریالیسم در ایران و حفظ استثمار زحمتکشان ندارد. رژیم جمهوری اسلامی بنا بر ماهیت طبقاتی خویش در این جنگ نه از منافع ملی زحمتکشان و خلقهای ایران، بلکه از منافع سیستم سرمایه داری وابسته دفاع میکند و سر- بازان و زحمتکشان را در مسلخ منافع خود قربانی مینماید. همچنین رژیم جمهوری اسلا با تبلیغات وسیع پیرامون این مسئله که مادر جنگ با خارجی هستیم و تبلیغ بر سر اینک که کسانی که صف نان و نفت تشکیل میدهند "ضد انقلاب" هستند، میخواهد افکار و آواها را در راه مشکلات و معضلات و مهمترین وابستگی ترین خواسته های اقتصادی - سیاسی و حقوق مردم برای تشدید مبارزه ضد امپریالیستی منحرف نموده تا بتواند با دست بازتری به چپاول و غارت در سترنج زحمتکشان بپردازد و هم اینکه با بسیج مردم حول مسئله جنگ با شدت بیشتری بفرکوب کمونیستها و انقلابیون مبادرت ورزد. ادامه سرکوب خلق کرد نشانه این امر است. بنابراین آنچه گفته شد از نظر ما جنگ عراق و ایران از هر دو جانب جنگی است غیر عادلانه و در خدمت حفظ و تحکیم رژیمهای ارتجاعی و ضد خلقی در ایران و عراق. ماهیت این جنگ از هر دو طرف ضد خلقی بوده و علیه خلقهای زحمتکش ایران و عراق میباشد. مردم هر دو کشور گوشت دم توپ منافع ارتجاع حاکم شده اند. بنابراین ما همراه با تمام زحمتکشان عراق و ایران خواهان متوقف ساختن بلا درنگ این جنگ هستیم. زیرا از این جنگ تنها امپریالیستها و طبقات ارتجاعی حاکمه و کشورهای سود خواهند برد.

زیرا که از این جنگ چیزی جز وابستگی بیشتر اقتصادی - سیاسی نصیب خلقهای ایران و عراق نخواهد شد. کمونیستها و انقلابیون ایران به هیچوجه مجاز نیستند که تحت عنوان شعارهای ظاهرفریبی از قبیل "جنگ علیه تجاوز خارجی" به تقویت رژیم ضد خلقی حاکم بپردازند و مردم را بجزوای ترارش و سپاه پاس - داران فراخوانند. کاری که هم اکنون اپورتونیستها و رویزونیستها سخت مشغول آنند. همانطور که گفتیم جنگ کنونی ایران و عراق جنگی است بین د حکومت ارتجاعی و مستقل از اینکه کدام طرف پیروز شوند، بی آن تشدید سرکوب و غارت زحمتکشان خواهد بود و بار خسارت و خرابیهای آن نیز بر دوش زحمتکشان انداخته میشود. بنابراین ما هم دوش تمامی خلقهای زحمتکش ایران هم تجاوز نظامی رژیم ارتجاعی عراق را محکوم می کنیم و هم سیاستهای رژیم ضد خلقی ایران را خلقهای ایران و انقلابیون میبایست خود سرنوشت خویش را در دست گیرند و برای این منظور راهی نیست بجز مبارزه مستقل علیه ارتجاع حاکم که دشمن مستقیم خلقهای میهن ما میباشد و مبارزه علیه هرگونه تجاوز کشورهای ارتجاعی همجوار. این جنگ، جنگ امپریالیسم و کشورهای ارتجاعی منطقه علیه خلقهای این کشورها میباشد. درست بهمین دلیل ما خواهان قطع بلا درنگ جنگ میباشیم. در عین حال کمونیستها و انقلابی در تمام مناطقی که مورد هجوم ارتش تجاوزکار عراق قرار میگیرد، میبایست دست به مقاومت مسلحانه زنند و در جهت بسیج و سازماندهی توده ها در مقابل ارتش تجاوزکار عراق بکوشند این مقاومت مسلحانه و بسیج و سازماندهی توده ها به هیچوجه بمفهوم پشتیبانی از رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی نبوده، بلکه تنها و تنها میتواند و میباید بصورت صف مستقل نیروهای انقلابی باشد. طبیعی است که کمونیستها و انقلابیون برای سازماندهی یک مقاومت مسلحانه همه جانبه میبایست دست به اتحاد عمل زده و بدون مخدوش کردن مرزهای ایدئولوژیک - سیاسی برپایه تنا - سب نیرو بعنوان حقوق دمکراتیک هر نیرو دست به فعالیت مشترک بزنند.



گزارشی از...

این نتیجه رسیدیم که باید بار دیگر بایکی از کشورهای پیشرفته قرارداد ببندیم و من چون زیاد مطالعه کردم دیدم نمیتوانیم با هندوستان و یا کشور دیگری رابطه برقرار کنیم چون قبلاً با انگلستان قرارداد داشتیم و اصلاً چون این کارخانه را از انگلستان خریداری کردیم، بهمین خاطر باید دوباره با آن کشور قرارداد ببندیم. البته من اول بگویم همانقدر که شما از آمریکا متنفر هستید، منم هستم ولی هزار بار از انگلستان بیشتر از آمریکا متنفر هستم ولی برای واماندن از کارخانه و نجات کشور باید باز هم با انگلستان قرارداد منعقد کنیم. "حمیری" این دلال امپریالیسمی - سواست با هزار آه و ناله و دلالی خود را مخفی سازد و از کارگران برای انعقاد قرارداد اسارتیاریا امپریالیسم انگلیس تأیید بگیرد. اگر چه این زالو صفات احتیاجی به اینگونه تأییدات ندارند برای همین منافع خود و استثمار بیشتر کارگران و سرازیر کردن سود حاصله از این استثمار بجیب امپریالیستها، از موضع طبقاتی خود حرکت میکنند و تنها شنیدن نظر کارگران در این مورد اصلاً مطرح نیست بلکه اگر مخالفتی هم بشنوند دست به سرکوب میزنند. کارگران کارخانه کبیر رو خبر داشتند که سه روز قبل این قرارداد اسارتیاریا منعقد شده بود و "حمیری" از این آه و ناله ها اهداف دیگری را دنبال میکند. یکم اینکه وانمود سازد برای نظر کارگران و کارکنان اهمیت قائم است و میخواهد از نظر آنها در تصمیم گیری استفاده کند. در حالیکه با گفتن "من و مدیران بعد از مذاکرات زیاد به این نتیجه رسیدیم که..." خود را رسوا میسازد و نشان میدهد که تصمیمها را این دلالان امپریالیسم گرفتارند و این نظر خواهی جنبه فرمایشی و تشریفاتی دارد دوم اینکه "حمیری" در صد بد با این صحبتهای متروشن به چپاول از سوی امپریالیستها را شناسائی کند و مورد تعقیب قرار دهد. اما کارگران هوشیار که میدانستند اعتراض آنها به "حمیری" که سه روز قبل با بستن قرارداد با امپریالیسم انگلیس چاگری خود را به امپریالیسم به ثبوت رسانید بود مقابلهی نخواهد داشت بدون آنکه

حرفی بزنند یک بیک سالن را ترک کرده و چون ساعت کار هم پایان یافته بود با زن کارت خود در ساعت کارت زنی بیسوی سرویس ایاب و ذهاب رفته و کارخانه را ترک میگویند. بدین ترتیب آنها توطئه مدیر عامل "حمیری" را در مورد شناسائی کارگران آگاه و مبارز خنثی میکنند، با این تفکر که از طریق دیگر و به اشکال دیگری مبارزه خود را علیه سرمایه داران وابسته به امپریالیسم ادامه دهند.

مشکل زحمتکشان...

چیز دارد. کس دیگر میگوید هفت سال است پول آب میدهم، هنوز آب نداریم و اضافه میکند وقتی پالیزبان فاسد بهاستاندا کرومانشاه گمارده شد، همین اکبر حسنی از هر خانواده ده تومان گرفت که برای استانه گوسفند و گاو سر ببر و اولین کسی بوده که گل به گردن پالیزبان خون آشام انداخته است. پیرزنی از اهالی میگوید یک دفعه هر خانواده ۱۵۰۰ تومان پول دادیم برای منبع آب، اما این منبع شده نان دانسی و منبع اخازی این انجمن کثیف، مدام پول می گرفتند که واشر پمپ خراب است، کاسه نمد خراب است، گازوئیل ندارد و ما مردم بدبخت هی پول میدادیم. دو ماه پیش باز مردم دولت آباد برای منبع آب جدید هر خانوار ۷۰۰ تا ۷۰۰ تا ۵۰۰ تومان بحساب شماره ۱۰۴۰ واریز کردند ولی باز هم مثل سابق سه روز سه روز آب نداریم.

آری خشم این مردم ستم کش از این همه اخازی در تاریخ ۵۹/۶/۵ به اوج خود رسید و با شعار "مرگ بر انجمن" براه میافتند ولی اعضا انجمن که مثل زمان شاه با واندانری و ادراجات "جمهوری اسلامی" دستشان در یک کاسه است، به اتفاق برادر اکبر حسنی که پاسدار است، برای چند نفر اهالی این محل پاپوش درست کرده که گویا خانه اکبر را آتش زدند تا بدین ترتیب با مورد تعقیب قرارداد این چند تن مردم را بترسانند ولی این بارتیرشان به سنگ خورده است چون مردم با اتحاد خود میگویند خانه کسی آتش نگرفته است و اگر هم ما موران مفتخور میگویند که آتش گرفته همه ما آتش زدیم، و تا آخرین قطره خون

اخبار...

پزشک در مقابل تقاضای بیمورد پاسداران ایستادگی میکند. در نتیجه میان پزشک و پاسدار نزاع در میگیرد. در این میان عدّه دیگری از پاسداران به همکاری خود می پیوند و شروع به فحاشی می کنند. پاسداران که حمایت کارکنان بیمارستان را از پزشک مقاوم می بینند، جهت ارضاء دست به تیراندازی میزنند که نتیجه حسابدار بخش اتفاقات مجروح میشود.

چندی پیش عدّه ای از دانشجویان دختر دانشگاه مشهد که در مقابل تخلیه خوابگاه بدستور ادستانی "انقلاب" مقاومت کرده بودند، دستگیر و روانه زندان میشوند. خانواده دانشجویان زندانی طی نامه ای به بنی صدر خواستار آزادی فرزندان خود شدند و از جمله نوشتند "آیا باید دانشجویانی در زندان باشند و هیچگونه قانونی نباشد که کوچکترین اقدامی برای آزادی آنها انجام دهد و یا اقل جرم آنها را برای مردم اعلام کند تا مردم بفهمند فرزندان ما به چه جرمی کک خورده و از خانه خودشان اخراج و به زندان افتاده اند؟". اینک ۱۱ روز از بازداشت فرزندان مامی گذرد همچنان وضع آنها نامشخص است. بدیهی است که آزادی بدون قید و شرط و فرزندان

حق مسلم آنهاست.

خود از این چند نفر پشتیبانی می کنیم کرد اهالی زحمتکش دولت آباد با اتحاد خود و مبارزه پیگیر در تاریخ ۵۹/۶/۱۰ برخلاف میل مجریان واندانری، اکبر حسنی را به زندان میاندازند که گویا چند نفر از مفت خواران اداری فعلاً ضمانت این کلاهبردار را به عهده گرفته و تا موعد ادگاه او را آزاد کردند.

بکوشیم تا از حرکت های ستم کشان برای تحقق خواسته هایشان پشتیبانی کنیم.

اخبار کوتاه

تهران - بدنبال حمله جیره خواران حکومت جمهوری اسلامی به خوابگاه مدرسه عالی علوم تغذیه و تخلیه این خوابگاه بزور اسلحه، دانشجویان معترض به این عمل مرتجعانه، در تاریخ پنجشنبه ۱۳/۶/۵۹ و جمعه ۱۴/۶/۵۹ از حوالی پارک ساحلی در خیابان مصدق تا میدان ولی عصر به تظاهرات پرداختند. دانشجویان خواهان بازگردانیدن خوابگاه به دانشجویان می باشند.

زاهدان - در حالیکه عاملین اصلی درگیریهای دانشگاه زاهدان آزادانه می گردند، در حالیکه حکومت برای پیش برد "انقلاب فرهنگی" خود همچنان به حبس و زندان و حتی تیرباران دانشجویان و استادان مبارز متوسل میشود و در حالیکه رژیم به بهانه شرکت در درگیریها همچنان به اخراج استادان مشغول است، کارکنان دانشگاه زاهدان نیز از ضربه حکومت در امان نماندند. اخیراً ۱۲ تن از کارکنان دانشگاه زاهدان به جرم "محرم اصلی" بودن در درگیری دانشگاه و به بهانه "عدم صلاحیت" از کار برکنار می گردند. اسامی آنها عبارت است از:

- ۱- محمد حسین حوری - ۲- اسد الله ملکی سروستانی - ۳- داریوش رضایی - ۴- منوچهر محمودیان - ۵- محمد وکیل التجار - ۶- محمد طاهر یزاده - ۷- حسن فلاحتی - ۸- موسی اکرمی - ۹- فریدون اردوبادی - ۱۰- محمد دانشور - ۱۱- محمد اسد پور - ۱۲- شهین رضوی .

شیراز - در روز سه شنبه ۱۱/۶ پاسداری مجروح به بیمارستان نمازی شیراز آورده میشود در حالیکه پزشک بخش اتفاقات نیز مشغول مداوای بیماری بود که خطر مرگ جانش را تهدید میکرد، پاسداران قلدر از پزشک مصرانه میخواهند که مریض در حال مرگ را رها کرده و به مداوای پاسدار مجروح بپردازد. اما وجدان پیدار پزشک به او اجازه چنین کاری را نداده و

بقیه در صفحه ۳

از آنها پاسخ میخواستند. کمیته چیان که از پاسخگویی به مردم معترض عاجز بودند، ماشین را روشن کرده و با سرعت بمیان مردم زدند و اگر مردم فوراً کنار نمی کشیدند، عده بسیار زیادی زخمی می شدند. اما مردم که براساس اکثریت آنان رهگذر بوده و در ابتدا از روی کنجکاری در آنجا جمع شده بودند، با دیدن حرکت کمیته چی ها بیک باره شروع به هو کردن کمیته چیان و دادن شعار "مرگ بر ساواکی، مرگ بر ساواکی" کردند. حرکت اعتراضی مردم در برخورد به افراد کمیته چی نشان داد که مردم چهره ضد مزد می حاکمین راشناخته و حمایت ارگانهای سرکوبگر حکومت را از جماعتداران و حمله کنندگان به کتابفروشیها و اجتماعات می بینند.

نیم ساعت پس از این ماجرا، عین آن در روبروی بلوار لاله تکرار شد. همان عده اوپاش به مردمی که در آنجا مشغول صحبت بودند، با شیشه پیچی و سنگ حمله کردند و درست پنج دقیقه بعد مطابق معمول ماشین کمیته سر رسید. کمیته چیان اینبار یک نفر از معترضین و یک جماعتدار را گرفته و با خود بردند. اما جالب است که درست بیست دقیقه بعد در مقابل چشمان حیرت زده مردم سرو کله آن جماعتداری با اصطلاح دستگیر شده مجدداً ظاهر شد. این امر باز هم عاملی بود برای زدودن شک و شبهه آن کسانی که می پنداشتند این جماعتداران مستغلاً و خودشان کاری کنند و مورد حمایت دولت نیستند. مثلاً یکی میگفت من تا حالا خیلی چیزها شنیده بودم و باور نمیکردم چون خودم هنوز از نزدیک ندیده بودم، اما امروز دیگر با دو چشم خود دیدم که چه گونه جماعتداران به کتابفروشیها حمله کرده و مردم معترض به این عمل وحشیانه را مورد ضرب و شتم قرار میدهند و کمیته چیان هم این اوپاشان را زیر چتر حمایت خود می گیرند. آری، ارتجاع حاکم با بسیج اوپاشان و حمله به کتابفروشیها، قصد خفه کردن آگاهی را دارد، اما هر قدر می که در این راه بر میدارد، ماسک از چهره پلید خود میدرد و ضمن رسوا ساختن بیشتر خود، موجبات فروپاشیدن توهمات باقیمانده مردم نسبت به حکومت را فراهم میسازد. برخورد مردم بکمیته چیان در این روز نوید این امر است

حمله اوپاشان ...

داری هم لب به اعتراض میگوید، وحشیانه مورد حمله قرار میگیرد. کم نبودند کسانی که با چاقوی این جیره خوران جمهوری اسلامی زخمی و به بیمارستان منتقل می شدند. اوپاشان تنهایی به یورش به دهکده کتابفروشی افغان کرده و "آلتیه کنکور" را هم از حملات خود بی نصیب نداشتند و آن جاراهم "فتح" کردند. در جلوی ساختمان این مؤسسه هر لحظه بر تعداد مردم رهگذر و کنجگاو که براساسی از اعمال وحشیانه این مزدوران بخشم آمده بودند، افزود می گشت. اوپاشان که تجمع مردم را دیدند و این تجمع برایشان چندان خوش آیند نبود با حمله و فحاشی به مردم میگوشتند تا آنها را متفرق سازند. بعد از مدت کوتاهی برنامه همیشگی تکرار شد و یک ماشین حامل تفنگچیان کمیته که مطابق معمول در همان حوالی هاست، وارد صحنه عمل شد. کمیته چیان چون خشم و اعتراض مردم را دیدند، وحشت زده از دسته اوپاشان که تعدادشان از ۱۰ نفر هم تجاوز نمی کرد، خواستند تا ساختمان را ترک کنند. عده کثیری از مردم که این صحنه ها را با چشم دیده و شاهد بودند که چگونه عدای چاقو کش بر احوالی وارد ساختن می شوند و پس از بهم ریختن وسائل آن مؤسسه، خیلی خونسرد آنها را ترک می کنند و کمیته چیه با این با اصطلاح حافظین جان و مال و ناموس مردم هم اصولاً مثل اینکه اتفاق نیافتاده آنها را زیر چتر حمایت خود می گیرند، لذا لب به اعتراض میگویند و به کمیته چیان گفتند مگر همین دیشب تلویزیون شما اعلام نکرد که تنها با دست داشتن نامه دستانسی میتوان وارد ساختمان شد، پس چرا از این چاقو کشان نخواستید که نامه دستانسی را نشان بدهند و اصولاً اینها به چه حقی وارد این ساختمان شدند؟ دیگری میگفت چرا آنان را دستگیر نکردید و گذاشتید که آزادانه بروند؟ خلاصه فریاد های اعتراض هر لحظه بلند تر میشد. کمیته چیان که اوضاع را پس دیدند و تنهایی اسلحه کمری مجهز بودند و این برای متفرق کردن مردم کافی نبود، سوار ماشین شده و قصد فرار کردند، اما مردم در دور ماشین آنها را گرفته و